

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فهم آزاد  
۲۵ می ۲۰۲۰

## سرمایه داری، اپیدمی کرونا و طاعون اسلام سیاسی

پس از شیوع ویروس کرونا Covid-19 و نتایج هولناک مرگ و میر ناشی از آن، جهان در مجموع دچار بحران عمیقی شده است که تبعات گسترده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در پی دارد که همچنان ادامه خواهد یافت. اما این وضعیت در جامعه ای چون افغانستان که همزمان با بحران سیاسی و طاعون ارتجاع اسلامی و حامیان آن ها در نظام سرمایه داری دست و گریبان است، می تواند پیامدهای هولناک و مصیبت باری داشته باشد.

با شیوع این ویروس و روابط اجتماعی موجود در نظام سرمایه داری بشریت در برابر یک فاجعه انسانی فجیعی قرار گرفته است. فاجعه ای که قبل از همه از فرودستان و محرومان جوامع در اشکال گوناگون قربانی می گیرد. پاندمی کرونا یک بار دیگر در کنار اثبات بی پایه بودن خرافات و اعتقادات مذهبی همچنان به شکل بارزی عجز و ناتوانی نظام سرمایه داری را در مصون نگهداشتن بشر از آلام و مصائب طبیعی و تأمین رفاه و آسایش آن بر ملا ساخت.

این را نیز باید خاطر نشان ساخت که بقای بشر در همیاری، هم نوع دوستی و مواجهه جمعی آن با بلایا و مصائب طبیعی و اجتماعی است؛ هر چند که نظام سرمایه داری سال ها است که بر اساس و بر بنیاد منافع خودش خواسته است این خصلت قایم به ذات و طبیعی بشر را در اشکال و وجوه گوناگون آن کمرنگ و بیهوده جلوه دهد. در این مدت پس از بروز اپیدمی کرونا شاهد تبارز جلوه هائی از هم نوع دوستی، امداد و کمک رسانی بوده ایم، که یک نمود بارز آن پرسونل طبی در بیشتر کشورهای جهان است، که در بدترین شرایط، حتی با وجود در اختیار نداشتن امکانات و تجهیزات ایمنی، به مدد هموعان شان شتافتند و از جان خودشان مایه گذاشتند. اما همزمان جلوه دیگری از رفتار و هنجار های ضد انسانی نیز تبارز نمودند. ناسیونالیسم و مذهب به عنوان دو ایدئولوژی و گرایشی که نافی هم سرنوشتی و حق جهان شمول و متعالی بشر است ضدیت شان به هم نوع دوستی و سرنوشت مشترک بشر را نشان دادند و در برخورد به پاندمی کرونا از زبان سخنگویان شان سخن از رجحان "خودی" ها بر "بیگانگان" جاری شد؛ در اولین روزهای بروز اپیدمی در چین، کسانی این مصیبت دردناک را که از نوع بشر قربانی می گرفت، به نفع "منافع ملی" خود دانستند و خوشنودی سخیف و ضد انسانی شان را تبارز دادند. همچنین انگشت اتهام و سرزنش احزاب، نهادها و طبقات حاکم به سوی "غیر" از جمله مردم چین و شیوه زندگی و فرهنگ شان نشانه رفت و آن را به تیر ملامت بستند؛ نمونه یک چنین رفتار و منش فاشیستی را در رفتار و کنش قدرت حاکمه امریکا از جمله ترمپ و خوشنودی نیروهای اسلامی نیز شاهد بودیم. نمونه بارز تر آن رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران و پناهندگان افغانستان است که به این ویروس مصاب شده اند.

جمهوری جنایتکار اسلامی سرمایه در ایران در عمل حق دسترسی به درمان و بهداشت را برای "اتباع بیگانه" از جمله کارگران متولد افغانستان که سال ها از نیروی کار ارزان شان سرمایه و سود انباشته شده است، ممنوع ساخت.

اما واقعیت امر این است که مصائب طبیعی از این دست، یعنی شیوع یک ویروس کشنده و تباهکن، که به آسانی مرزها را در می نوردد، نژاد، طبقه و فرهنگ و مذهب نشناخته و نمی شناسد، فقط تأثیرات آن است که طبقاتی می شود. طی چند هفته اپیدمی کرونا یا کووید ۱۹، که برخی بر این باور بودند که یک معضل محلی و کشوری در یک گوشه ای از جهان است، به شکل حیرت انگیزی مرزها را در نوردید و همه را در معرض تباهی و نیستی قرار داد. ناگهان میادین و خیابان های بزرگترین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شهرها و کشورهای جهان قرنطین شده و چون دشت برهوت خالی از سکنه و جنب و جوش گشتند. در پی این اپیدمی، در بیشتر کشورهای پیشرفته سرمایه داری که اقشار و لایه های پائینی در آن ها بیشتر از دیگران در معرض خطر قرار دارند، دریافتند که نظام و مناسبات حاکم با وجود آن ظاهر تصنعی که سالها در اذهان توده مردم القاء کرده اند آن چنان بی بنیاد و ضعیف است که از پس مسؤولیت های شان در قبال حفاظت از جان و سلامت مردم، چیزی که مدعی هستند، بر نیامدند و بر این مبنا دیوار توهم مردم نسبت به دولت ها و نهاد های بورژوائی بیشتر از گذشته ترک بر داشته است. توقع می رفت که در این جوامع، که به لحاظ منابع، امکانات و تکنولوژی و علم در صدر قرار دارند بسادگی از پس این اپیدمی بر بیایند و آن را کنترل نمایند. اما در لیست ارجحیت های این نظام، انسانها و سلامت شان در صدر قرار ندارند. اپیدمی کرونا اما به شکل آشکاری نشان داد که بورژوازی و دولت های سرمایه داری هیچ گونه ارزشی برای جان انسان ها قابل نبوده و نیستند. با وجود امکانات عظیم مالی، تکنولوژیک و علمی بیماران و مبتلایان حتی از دسترسی به تختخواب و دستگاه های تنفسی و کارگران و پرسونل طبی از داشتن دستکش و ماسک هم محروم اند، چه رسد به این که امنیت و سلامت و رفاه مردم را ضمانت نمایند. دولت ها و نهاد های نظام سرمایه داری هیچ ستراتیژی جز خریدن فرصت بیشتر و در بهترین حالت کم کردن هزینه مرگ و میر و کاستن از سرعت آن ندارند؛ آنجا هم که کاری انجام داده اند در حد یک توصیه است تا مردم با رعایت آن خودشان را از مرگ حتمی نجات دهند.



این وضع در افغانستان بیشتر از هر کشور دیگری در دنیا اسفبار و مهلک است. قدرت حاکمه از مردم گرسنه، فقیر، درمانده و گرفتار در چنبره فقر، جنگ و طاعون اسلام سیاسی، بدون هیچ ضمانتی و بدون تأمین حداقل بخور و نمیر، می خواهد که خودشان را قرنطین نمایند؛ مضاف بر آن با شیوع ویروس کرونا در کنار احتکار و افزایش بهای

مواد حیاتی اولیه مورد نیاز و ضروری مردم، بازار رمالان مذهبی و خرافات اسلامی نیز رونق یافته است و ارباب عمایم و نهادهای مذهبی از جهل و ناآگاهی مردم استفاده می برند تا از بی اعتبار شدن و فروپاشی هرچه بیشتر و جاهت دین اسلام جلوگیری کرده باشند. سیاست تجرید مردم که می تواند از شیوع بیشتر ویروس جلوگیری نماید به دلیل فقر مفرط و اجبار اقتصادی عملاً مورد اعتنای مردم نیست؛ در حقیقت امر در غیاب تأمین حداقل معیشت معنای عینی و عملی این سیاست برای اکثریت فرودستان و محرومان به ویژه کارگران چیزی جز این نیست که مردم مرگ در اثر گرسنگی را بر مرگ به سبب ابتلاء به ویروس کرونا ترجیح دهند.

جامعه گرفتار در جنگ و ایلغار نیروهای بورژوا -امپریالیستی که در آن بیش از چهار دهه است که از صلح، امنیت و رفاه خبری نیست این روزها مردم شاهد صف آرائی و تقابل جناح های مختلف سیاسی طماع در جدال بر سر قدرت و

مسند اند که این مسأله در کنار عوامل دیگر آرامش و آسایش را از اکثریت مردم به ویژه کارگران و اقشار محروم ربوده است. علاوه بر آن جنگ و ناامنی مثل گذشته از مردم فرودست و محروم از زن و مرد و پیر و جوان و کودک قربانی می‌گیرد و این همه در حالی است که قرار است بختک و طاعون طالبان و سایر دارودسته‌های اسلام سیاسی به یمن حمایت قدرت‌های منطقه و سرمایه‌داری جهانی به رهبری امپریالیسم امریکا و در خدمت به منافع درازمدت و ستراتیژیک شان در این منطقه پُراشوب و مهم زیر نام "صلح" با آرایش و ترکیب جدید بر گرده مردم تحمیل شود. طاعون سیاه اسلامی و تبعات ناشی از آفت کرونا هدیه و ره آورد نظام کاپیتالیستی برای مردم در افغانستان است. این اوضاع یک فاکتور تعیین‌کننده و نیرومند در تداوم مصیبت و زمینه‌ساز هرچه بیشتر تلفات و قربانی شدن فرودستان و محرومان در جامعه افغانستان را می‌سازد. در کنار اوضاع و احوال آشفته و بحران سیاسی جاری که در واقع جغرافیای افغانستان را به سه حوزه اقتدار تقسیم نموده است اکثریت مردم محروم و فرودست جامعه به ابتدائی‌ترین امکانات درمانی و وقایه‌ئی هم دسترسی ندارند. این امر خطر ابتلاء و مرگ و میر ناشی از اپیدمی کرونا را در میان مردم به ویژه اقشار و طبقات تهیدست و محروم بیش از تصور بالا می‌برد. اگر این روند بر همین منوال ادامه یابد و چاره‌ای برای آن سنجیده نشود فاجعه عظیمی را شاهد خواهیم بود. همانگونه که در آغاز نیز اشاره شد با بروز اپیدمی کرونا این واقعیت تلخ و دردناک در کشورهای دیگر نیز آشکار گشت؛ کشورها و قدرتهائی چون امریکا که سلاح‌های پیشرفته و مدش کشتار جمعی تولید می‌کنند و از نظر تکنولوژیک به پیشرفت‌های عظیم و بینظیری دسته یافته‌اند، نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

چگونه ممکن است که در یک چنین جوامعی انسان‌ها به دلیل کمبود و عدم دسترسی به دستگاه‌های تنفسی، اتاق‌های مراقبت ویژه بیماران و یا به دلیل کمبود و نبود تخت در شفاخانه‌ها جان ببازند؛ یا از سر فقر و تنگدستی با وجود همه مخاطرات مجبور و ناگزیر سر کار بروند تا لقمه نانی تهیه نمایند تا باشد که از مرگ و نیستی عزیزان شان از اثر گرسنگی جلوگیری نمایند.

و این آن واقعیت عریانی است که بشریت امروز با آن مواجه شده است. دولت پوشالی و حامیان بین‌المللی آن در افغانستان جز فریب مردم و حواله آنها به حرف‌های مفت و تکراری هیچ‌گونه مسؤلیتی در قبال مردم احساس نمی‌کنند. به جز تعداد قلیلی از صاحبان سرمایه که از قبل چپاول و غارت هست و بود جامعه به سرمایه‌های نجومی دست یافته‌اند، اکثریت قریب به اتفاق مردم اگر که نتوانند نیروی کارشان را بفروشند حتی قادر به تأمین مخارج یک هفته زندگی شان نیستند.

پاندمی کرونا و بحران ناشی از آن، تنها یک بحران طبیعی نیست بلکه فراتر از آن یک بحران سیاسی و اقتصادی است. علم پزشکی در امتداد قربانی گرفتن این اپیدمی از مردم، با کشف واکسین و تولید آن شاید بتواند آن را مهار نماید ولی بحران سرمایه‌ جهانی و تبعات هولناک آن است که بشریت را در ترس و وحشت قرار داده است. آنچه که باعث نگرانی و سراسیمه‌گی دولت‌های حاکم در کشورهای سرمایه‌داری شده است تلفات ناشی از این پاندمی نیست بلکه پیامدها و عواقبی است که نظام جهانی در فردای پس از پاندمی به آن مواجه خواهد شد. یکبار دیگر و این بار به وضاحت تمام آشکار شد که سرمایه‌داری نه تنها مطلوب و مقبول نیست بلکه دشمن جان، سلامت، رفاه و آسایش انسان‌ها به ویژه انسان‌های فرودست و طبقات محروم جامعه است. بیگانه‌راه نجات و رهائی بشریت از همه این مصائب و آلام پایان دادن به سلطه و مناسبات سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم است، اما تحقق این امر شریف و انسانی بدون تحزب و مبارزه طبقات فرودست، در رأس طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه میسر نیست.